

تاریخ علم، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۵۳-۶۴

اقدامات سیاسی و فرهنگی علیقلی خان مخبرالدوله و تأثیر آن در روند نوگرایی دوره قاجار

محمد کشاورز بیضایی

دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه تبریز

mkeshavarz_59@yahoo.com

(دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۰، پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۱)

چکیده

علیقلی خان مخبرالدوله از رجال دانش دوست، ترقی خواه و مطرح تاریخ معاصر ایران است. برخی از اقدامات وی حاکی از نوگرایی و اهتمام و توجه ایشان به امر توسعه و پیشرفت در ایران عصر قاجار است. این جستار با روشی تحلیلی-توصیفی و همچنین با تکیه بر منابع و اسناد کتابخانه‌ای و آرشیوی، به اقدامات سیاسی و فرهنگی مخبرالدوله و سهم آن در فرایند نوگرایی این دوره می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که علیقلی خان مخبرالدوله با اتخاذ رویکردی معتدل و معقولانه در امور حکومتی و تصدی مناصب مهم و گوناگونی چون وزارت پست و تلگراف، تجارت، معارف و ریاست دارالفنون و اقداماتی نظیر پی‌ریزی، مدیریت، توسعه و گسترش خطوط تلگراف، تکمیل کانون علمی دارالفنون، همچنین تأسیس روزنامه دانش، اولین روزنامه آموزشی ایران، اهتمام به تشکیل انجمن حافظ الصحة، اعزام محصل به خارج از کشور و پرورش متخصصان علوم، در تنویر افکار و روند نوگرایی و نوسازی ایران در عصر قاجار، سهم و تأثیر بسزایی داشته است.

کلیدواژه‌ها: علیقلی خان مخبرالدوله، قاجار، نوگرایی.

مقدمه

عواملی چون شکست ایران در جنگ با روسیه، پیشروی‌های ناپلئون در اروپا و تلاش او برای دست یافتن به هند از طریق ایران، کوشش‌های انگلستان برای توسعه نفوذ خود در آسیا و تکاپوی ایران برای مصون ماندن از تهاجمات خارجی، ناگزیر ایران را در صحنه اتفاقات سده نوزدهم میلادی وارد کرد و برخی از دولت‌مداران واقع‌بین را به تغییر اوضاع برانگیخت. در این شرایط آنچه به مثابه مدل و الگویی فرا روی متفکران و رجال سیاسی و اجتماعی ایران وجود داشت، مدل توسعه و پیشرفت غرب بود. این مدل که برآمده از ساختار سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اروپای مدرن بود بر روند نوگرایی در ایران تأثیر فراوانی به جا نهاد. با این همه رویارویی ایرانیان در برابر این مدل هم‌سان نبود. برخی تنها راه مفرّ از این شرایط را سرتا پا فرنگی و غربی شدن و گسست از سنت‌ها می‌دانستند و برخی به همان سنت‌های گذشته ابرام می‌ورزیدند و بر پالایش آن و تجدیدنظر در آن اعتقاد داشتند. برخی نیز رویکردی بینابینی را مدنظر قرار دادند و بر آن بودند تا پلی میان سنت و مدرنیته ایجاد کنند.

تفکر و جریان نوخواهی و نوگرایی و ضرورت دستیابی به فناوری نوین در دوران قاجار در بدنه حکومت و توسط افراد و دولتمردانی نظیر عباس میرزا، قائم مقام فراهانی و امیرکبیر وارد شد و در پیشبرد و تحقق برخی از مظاهر آن رجال و خاندان‌های دیگری نیز سهم بوده‌اند. تأمل و مذاقه در اندیشه‌ها و اقدامات سیاسی و فرهنگی این دسته از رجال، افزون بر چگونگی نگرش این افراد به جریان نوخواهی، می‌تواند میزان اهمیت اقدامات، همچنین میزان سهم و توفیق آنان را در تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر نشان دهد. خاندان هدایت از خاندان‌های سرشناس و مهم دوره قاجار به‌شمار می‌روند که در تحولات سیاسی و اجتماعی این دوره نقش بسزایی داشته‌اند و از میان آنان رجال و نخبگان سیاسی بزرگی برخاسته‌اند. علیقلی خان مخبرالدوله هدایت از جمله نخبگان سیاسی این خاندان است که عمرش در دوره سلطنت محمد شاه، ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه گذشت. اهتمام و توجه مخبرالدوله به جریان نوگرایی و برخی از مظاهر و اشکال آن، در طی تصدی مسؤولیت‌های مهم سیاسی و حکومتی حاکی از توجه وی به توسعه و گسترش مظاهر علمی و آموزشی در کشور است.

پیش‌تر مهدی بامداد در کتاب شرح رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری قمری اطلاعات تقویمی در باره زندگی علیقلی خان مخبرالدوله آورده است. اقبال

یغمایی در مقاله «علیقلی خان مخبرالدوله دومین وزیر علوم» و علی اصغر چاهیان در مقاله «بررسی حیات علمی و فرهنگی علیقلی خان هدایت مخبرالدوله» زندگی و حیات علمی و فرهنگی مخبرالدوله را بررسی کرده‌اند و اطلاعات ارزنده‌ای در باره زندگی مخبرالدوله و نقش وی در توسعه و گسترش تلگراف در ایران ارائه کرده‌اند. در این نوشته سهم اقدامات و عملکرد سیاسی و فرهنگی مخبرالدوله را و تأثیر آن بر روند نوخواهی و نوگرایی عصر قاجار موضوع بررسی است. به نظر می‌رسد می‌توان ادعا کرد که علیقلی خان مخبرالدوله با قرار گرفتن در سطح بالای قدرت و داشتن مسئولیت‌های متعدد سیاسی، با اهتمام به امر توسعه و دانش و اقداماتی نظیر تأسیس و توسعه خطوط تلگرافی در کشور، تکمیل سازمان اداری و علمی دارالفنون، تأسیس روزنامه دانش و تشکیل انجمن حافظ‌الصحة و تربیت و پرورش محصلان علوم در پیشبرد نوگرایی و تنویر افکار جامعه ایرانی نقش بسزایی داشته است.

نگاهی اجمالی به حیات سیاسی و اجتماعی علیقلی خان مخبرالدوله

علیقلی خان هدایت پسر بزرگ رضاقلی خان هدایت است که در ۱۲۴۵ق/۱۸۲۹م در شیراز متولد شد (حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۱۲۴؛ افضل‌الملک، ص ۲۰۳). در سال ۱۲۵۵ق/۱۸۳۹م برای همیشه از شیراز به دارالخلافه تهران آمد (حسینی فسایی، همان‌جا). عزیمت به تهران پیامدهای مهم و قابل توجهی را در زندگی او به همراه داشت. در ۱۲۶۴ق/۱۸۴۷م، زمانی که هنوز به بیست سالگی نرسیده بود، به دستور محمد شاه به عنوان والی فیروزکوه منصوب شد. او بعدها در عهد ناصری شغل ناظمی و سپس ریاست کتابخانه دارالفنون را به دست آورد (حسینی فسایی، همان‌جا). سال ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م را باید نقطه عطفی در رشد و ترقی سیاسی علیقلی خان به شمار آورد. در این سال که آغاز احداث تلگرافخانه در ایران بود به امر ناصرالدین شاه، علیقلی خان عهده‌دار مأموریت احداث خطوط تلگراف تهران به سلطانیه شد (افضل‌الملک، ص ۲۰۴). او پس از آن در سلطانیه به مقام سرهنگی نایل شود (حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۱۲۴) و بعد از اتصال خطوط تلگراف تهران به گیلان در سال ۱۲۷۹ق/۱۸۶۲م به منصب سرتیپی سوم منصوب شد. او در ۱۲۸۶ق/۱۸۶۹م ملقب به مخبرالدوله شد (افضل‌الملک، ص ۲۰۴). در ۱۲۹۴ق/۱۸۷۷م او علیقلی خان به مقام وزارت کل تلگراف ممالک محروسه سرافراز گردید (حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۱۲۴)، و این در حالی بود که تا یکی دو سالی وزارت تجارت نیز ضمیمه مشاغل او بود (افضل‌الملک،

ص ۲۰۴). او در ۱۲۹۷ق/۱۸۷۹م به وزارت علوم و ادارات مدرسه مبارکه دارالفنون و مریضخانه دولتی مفتخر شد و در سال ۱۲۹۹ق/۱۸۸۱م به وزارت معادن منصوب شد (حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۱۲۴؛ چاهیان، ص ۸۲). کرزن مخبرالدوله را از زمره وزرای شایسته دولت ایران می‌داند (ج ۱، ص ۵۶۲).

مخبرالدوله در سفر ناصرالدین شاه به انگلستان از خواص و ملتزمان رکاب بود و در انگلستان با کسب اجازه از شاه از همراهان جدا شود و به تنهایی به فرانسه و ایتالیا و از آنجا به بندر اسکندریه رفت (حسینی فسایی، ج ۲، ص ۱۱۲۴؛ کرزن، ج ۱، ص ۵۶۳). کرزن علت جدایی مخبرالدوله از اردوی شاه را حقد و حسادت همراهان در حق او می‌داند (همان‌جا). مخبرالدوله در دارالشورای سلطنتی و دربار نقش فعالی داشت و در مسائل حکومتی یکی از طرفین رایزنی و مشورت بود (افضل الملک، ص ۲۰۵). او همچنین در نهضت تنباکو یا شورش رژی، زمانی که شورش در تهران بالا گرفت، از جانب حکومت به همراه چند نفر دیگر در مقام میانجی نزد میرزا حسن آشتیانی رفتند تا شورش را فروشانند (چاهیان، ص ۷۱). او در دیدار سید جمال‌الدین اسدآبادی با ناصرالدین شاه در سفر شاه به سال ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م. به اروپا نیز دست داشته است (همو، ص ۷۲). مخبرالدوله در سال‌های پایانی عمر و در دوره مظفری نیز همچنان از رجال مهم حکومت بوده است و عهده‌دار منصب وزارت داخله شد (افضل الملک، ص ۲۰۵). اما دوره این وزارت کوتاه بود و او در زمستان سال ۱۳۱۵ق/۱۸۹۷م در تهران چشم از جهان فرو بست.

مخبرالدوله و تلاش برای اشاعه و گسترش خطوط تلگراف در ایران

یکی از اقدامات مهم مخبرالدوله که در ابتدا با همراهی و توجه اعتضاد السلطنه توأم بود، توجه به صنعت جدید تلگرافخانه و گسترش آن در ایران بود. جدا از رخدادهای مرتبط با این واقعه، علیقلی خان هدایت نامی است که تقریباً در همه این رخدادهای به چشم می‌خورد. پس از نصب اولین خط در تهران در سال ۱۲۷۴ق، سال بعد به مدیریت علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه و علیقلی خان خطی از تهران به سلطانیه کشیده شد (اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۸۰۳). علیقلی خان در ۲۴ جمادی الثانی ۱۲۷۹ق/۱۷ دسامبر ۱۸۶۲م در کنار میرزا سعید خان مؤتمن‌الملک و فرخ خان امین‌الدوله قراردادی را با ایستویک، نماینده بریتانیا، منعقد کرد که بر اساس این قرارداد دولت ایران پذیرفت که خط تلگرافی از خانقین به تهران، اصفهان و بوشهر زیر

نظر مأموران و مهندسان روسی دایر کند. تلاش‌های مخبرالدوله در امر توسعه تلگراف باعث شد که ناصرالدین شاه طی حکمی وی را در سال ۱۲۹۳ ق/۱۸۷۶ م به منصب وزارت تلگراف که به تازگی تأسیس شده بود منصوب کند. همچنین مقرر شد که مخبرالدوله بدهی‌های تلگرافخانه را به صورت اقساط پرداخت نماید. از اقدامات مخبرالدوله در این زمان استخدام هوشم شیندلر از افراد خبره و کارآزموده انگلیس در وزارت تلگراف بود. شیندلر به منظور نقشه‌کشی مسیرها و تعمیر دستگاه‌های تلگراف به کار گماشته شد. او در دوره وزارت خطوط تلگراف از تهران به مشهد و خوزستان را تکمیل کرد و ساختمان وزارت تلگراف در خیابان ناصریه را تعمیر و بازسازی کرد. اقدامات او در توسعه تلگراف در ایران موجب شده است برخی محققان اور «پدر تلگراف» ایران بنامند (محبوبی اردکانی، ص ۲۲۶؛ یغمایی، ص ۲۳؛ چاهیان، ص ۷۹-۸۰). این اقدامات را زمانی بیشتر می‌توان ارج نهاد که از تأثیر تلگراف در ایجاد مدیریت متمرکز در ایران مطلع باشیم. این تلگراف بود که در اندک مدتی مرکز را قادر می‌ساخت که دستورات و احکام حکومتی را به سراسر کشور انتقال دهد و امنیت اقتصادی، اجتماعی، نظامی و تجاری را برقرار کند و در جریان خبرها و رویدادها باشد (برادران شکوهی، ص ۴۶). تلگرافخانه، به مثابه مرکزی اخبار و رویدادها را به اقصی نقاط کشور و شهرهای آن انتقال می‌داد و تصمیم‌ها و اقدامات سیاسی را در اندک زمانی امکان‌پذیر می‌کرد. اسناد موجود مبین اهتمام مخبرالدوله به اشاعه و توسعه خطوط تلگرافی در ایران و همچنین درک و وقوف او بر ضرورت نوگرایی و توسعه در ایران هستند. در سندی او خطاب به ناصرالدین شاه در باره کارهای خود در تلگرافخانه و ساماندهی به امور آن، همچنین مناصبی که بدان دست یافته گزارشی نوشته است:

قریب بیست و سه سال است خدمت تلگرافخانه مبارکه به غلام محول است. سال قبل از دارالخلافة الی سلطانیه چهل فرسخ سیم داشت و امسال هزار فرسخ سیم دارد سال قبل غلام اموال مدرسه بود و امسال در غلامی وزیر تلگرافخانه است. منصب این غلام سرتیپ اول بود و با امتیازات قمه مرصع و کمر مخصوص و تمثال همایون و شمه الماس و حمایل سبز نیز به دفعات مفتخر گردید قریب یکصد نفر صاحب منصب پیر و جوان خارجه و داخله سرتیپ سرهنگ امیرزادگان محترم خوانین با نشان و جمعی دیگر در این دایره مشغول خدمت هستند هرگز از احدی بی‌نظمی نشد خاطر آفتاب مظاهر اقدس همایون اعلی روحنا فدا غالب اوقات از وضع جان نثار غلام خشنود و خرسند بوده است

و تقاضاهایی که در باب فدوی شده است گوشزد خاص و عام گشته غلام نیز از هر جهت ساعی است که هرگز اسباب زحمت خاطر آفتاب مظاهر نگردد چنان که اینک از طرفی سیم مازندران می‌کشد و از طرفی سیم خانقین که ده سال است خوابیده راه نمی‌اندازد که عهدنامه جدید لغو نشود از طرفی دستجات مختلف به خطوط عربستان همدان و خراسان می‌فرستد که به تعمیرات لازمه بپردازند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، سند شماره ۲۷۹۹۰۲۹۵۰).

اهتمام به تکمیل سازمان و کانون علمی دارالفنون

پژوهشگران دوره قاجار تأسیس دارالفنون را نقطه عطفی در تاریخ ایران می‌دانند، با این حال تنها عیب عمده این کانون علمی آن بود که متولیان آن بعد از امیرکبیر چندان اهمیتی به جذب نخبگان فرودست و مردم عادی جامعه نداشتند و اغلب محصلان این مرکز آموزشی از شاهزادگان و فرزندان اعیان و اشراف و تجار کشور انتخاب می‌شدند. چنان که میرزا محمود خان احتشام السلطنه پسر علاءالدوله امیرنظام قاجار، که خود نیز مدتی در دارالفنون مشغول به تحصیل بود، ضمن ابراز ارادت به مخبرالدوله و تقدیر از خدمات اولاد و نوادگانش، با اشاره به این نکته و همچنین نقد برخی عملکرد متولیان این مدرسه، به‌ویژه علیقلی خان هدایت در اعزام آقازادگان به خارج از کشور برای تحصیل، بر این باور است که این متولیان قدرت و فرصت داشتند که جوانان وطن‌خواه و آگاه به حقوق ملت را در ممالک متمدن تربیت کنند و در طی یک نسل مردم شهرنشین ایران را باسواد و کشور را برای ورود به صف ممالک پیشرفته آماده کنند (احتشام السلطنه، ص ۲۲۸). با این همه مخبرالدوله در دوره زعامت خود بر دارالفنون توانست سازمان آن را نظمی ببخشد و امور آن را سامان دهد. او توانست توجه و حمایت ناصرالدین شاه را نسبت به تکمیل سازمان دارالفنون جلب کند و در این دوره متخصصان دیگری را از اروپا به‌کار گمارد. از آن جمله دو متخصص پروسی به نام‌های وت^۱ و فلمر^۲ بودند. وت در دوره ریاست علیقلی خان مخبرالدوله بر دارالفنون، معلم پیاده‌نظام بود (اعتماد السلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۲۷۷). وت توانست نقشه کاملی و دقیقی از شمال تهران تهیه کند. او همچنین دو چشم‌پزشک حاذق به نام‌های گالزفسکی و راتولد را به دارالفنون دعوت کرد. گالزفسکی چندی قبل‌تر برای معالجه چشم ظل السلطان به اصفهان آمده بود (روزنامه ناصری، ۱۳۱۱ق). مخبرالدوله

1. Wet
2. Flemer

اقدامات سیاسی و فرهنگی علیقلی خان مخبرالدوله .../۵۹

راتولد را با حقوق دوهزار تومان استخدام و به معلمی دارالفنون گماشت. فلمر نیز به شاگردان علم توپخانه درس می داد.

مخبرالدوله با ساماندهی امور دارالفنون و نظارت بر عملکرد محصلان و معلمان آن درصدد بود تا فضایی علمی مناسبی را برای آموزش فراهم نماید، برای نمونه در گزارشی به ناصرالدین شاه از وضعیت تحصیلی، حضور و غیاب، نحوه امتحانات، درجات و ترقیات محصلان، پرداخت مواجب و مستمری معلمین سخن گفته است (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره ۲۲۹۵۰۰۰۹۲۲). همچنین در سال ۱۳۰۱ق، ناصرالدین شاه وی را به منظور خرید یک فروند کشتی به آلمان فرستاد و به وی دستور داد تا کمبود وسائل دارالفنون را، اعم از تجهیزات و لوازم آزمایشگاه، لوازم و اسباب جراحی و کتاب‌های آموزنده و علمی بخرد و به ایران بیاورد. شاه ضمن نامه‌ای مخبرالدوله را به ولیعهد آلمان معرفی و از وی خواهش کرده وزیر علوم ایران را در انجام مأموریتش یاری برساند (یغمایی، ص ۶۴).

علاوه بر این مخبرالدوله در روند نوگرایی و ترقی خواهی مخالف تسلیم محض شدن در برابر دستاوردهای تمدن غربی بود و در کنار استفاده و آموزش علوم و فنون غربی بر ضرورت حمایت از صنایع بومی و داخلی تأکید می ورزید. چنان که در مکتوبی به ناصرالدین شاه از فرنگی مآبی و گرایش مردم به اجناس و اقلام خارجی انتقاد می کند. وی علت این امر را قصور و بی‌اعتنایی دولت مردان نسبت به صنایع بومی و داخلی می داند (همان جا).

همکاری و کمک به تشکیل انجمن حافظ الصحه

از دیگر اقدامات دوره وزارت مخبرالدوله تأسیس و ایجاد انجمن حافظ الصحه بود. انجمن حافظ الصحه را دکتر تولوزان فرانسوی در سال ۱۲۸۵ق/۱۸۶۸م برای اقدام و برنامه ریزی در مورد وضعیت نظافت و بهداشت ایران بنا نهاد (روزنامه دولت علیه ایران، شماره ۴۸۴). هدف این انجمن آگاهی بخشی، پیش گیری از بروز و جلوگیری از انتشار بیماری های واگیر مانند وبا، طاعون و آبله بود. این مجلس وابسته و تحت نظارت دارالفنون بود و اعضای آن ناظران، معلمان برجسته دارالفنون و تعدادی از پزشکان مجرب داخلی و خارجی بودند (الگود، ص ۵۷۱؛ یغمایی، ص ۶۵-۶۶). از اعضای این انجمن می توان از کسانی چون دکتر تولوزان حکیم مخصوص شاه، دکتر آرنو بگمز حکیم اتریشی، میرزا کاظم ملک الاطباء، میرزا سید رضی حکیم باشی، میرزا عبدالعلی

طیب، دکتر دکسن از سفارتخانه انگلیس، دکتر چرب بین طیب سفارت روس، میرزا ابوالقاسم حکیم و معلم دارالفنون، میرزا محمدکاظم معلم علم طبیعی و شیمی، میرزا زین العابدین طیب شاه، نام برد (روزنامه ایران، شماره ۴۵۵). اولین جلسه این انجمن با حضور مخبرالدوله در ربیع الثانی ۱۲۹۸ ق تشکیل شد. اعضای انجمن حافظ الصحه در هر جلسه گزارش‌هایی را که راجع به بهداشت عمومی مردم از هر شهر رسیده بود بررسی می‌کردند و طرح‌ها و پیشنهادهای خود را برای صدراعظم می‌فرستادند. از کارهای مطلوب این مجلس آن بود که در مواقع بروز بیماری در شهرها، جزوه‌های راهنمایی برای آشنایی و مبارزه با آن بیماری، چاپ و منتشر می‌کردند (همان، ص ۶۶). گاهی این جزوه‌ها را محصلان و دانشجویان دارالفنون تألیف می‌کردند و در اختیار عموم قرار می‌دادند. این حرکت در آشنایی مردم با بیماری‌ها و جلوگیری از شیوع آن تأثیر بسزایی داشت.

تأسیس روزنامه دانش

انتشار روزنامه‌ها در دوره قاجار از عوامل اصلی آگاهی و رشد افکار ترقی‌خواهی و نوگرایی به شمار می‌رفت. بی‌تردید در روند نوگرایی، در دوره قاجار نشریات آموزشی و علمی به‌مثابه ابزاری برای توزیع، انباشت و تولید داده‌های علمی نقشی حیاتی داشته‌اند. یکی دیگر از اقدامات ارزشمند مخبرالدوله، انتشار روزنامه دانش بود. روزنامه دانش نخستین بار در سال ۱۲۹۹ ق به عنوان ارگان علمی مدرسه دارالفنون در دارالطباعة خاصه علمیه و به صورت دوره‌ای هر پانزده روز یک بار منتشر شد. دانش زیر نظر مخبرالدوله، وزیر علوم، اداره می‌شد و سردبیر آن محمد کاظم محلاتی، معلم طبیعی دارالفنون، بود (کاشفی خوانساری، ص ۶۳). این نشریه حاوی مطالب علمی، اجتماعی و دانستنی‌های تاریخی، مطبوعاتی و انشاپردازی سودمندی بود (قاسمی، ص ۵). روزنامه دانش، تنها در چهارده شماره منتشر شد و در سال ۱۳۰۰ ق، تعطیل شد. در اولین سرمقاله دانش تصریح شده بود که به درج اخبار مدرسه دارالفنون و مطالب علمی خواهد پرداخت. دانش اولین روزنامه رایگان ایران پس از وقایع عدلیه بود که آگهی‌هایش نیز رایگان چاپ می‌شد (کاشفی خوانساری، ص ۶۳). محمدحسن خان اعتماد السلطنه در روزنامه خاطراتش (ص ۱۹۶) در مورخه سه شنبه ۲۶ رجب سال ۱۲۹۹ ق، از انتشار روزنامه دانش سخن گفته است که تأثیر خوبی بر شاه نداشته است. همچنین در مورخه پنج‌شنبه ۲۸ رجب ۱۲۹۹ ق (همان‌جا)، باز هم با اشاره به روزنامه

دانش اجازه نشر آن را، از جانب شاه دانسته است. البته نظر اعتماد السلطنه در باره این روزنامه در شرحی که وی در ستایش از این کار مخبرالدوله نوشته و در همان روزنامه منتشر شد، با آنچه که در خاطرات آورده است به کلی متفاوت است. اعتماد السلطنه در بخشی از شرح خود می‌آورد:

جناب صنیع الدوله ... نمره نخستین این همایون‌نامه به وزارت علوم فرستاده ... فدایت شوم عنوان صحیفه درایت و بینش یعنی نمره اول روزنامه دانش که با رقیمه شریفه ارسال فرموده بودند باعث حصول امیدواری تازه و بهجتی بی‌اندازه گردید بی‌تملق جناب اجل عالی به هر کاری که اقدام نموده... آغاز آن کامل و انجام آن اکمل صورت آن جمیل و معنی اجمل بوده است... اجمالاً پیش از همه کس این اقدام جناب اجل عالی را تهنیت می‌گوییم و با کمال شغف عرض می‌کنم. اگر از این جانب ... در این کار معاونتی بخواهند حاضر و در انجام آن هرگونه خدمت و اقدامی به دقایق ارادت ناظر است زیاده عرضی نیست محمد حسن (روزنامه دانش، شماره ۲: قاسمی، ص ۱۰-۱۱).

در هر حال این نشریه را می‌توان نخستین نشریه ترویجی در ایران دانست که اخبار علمی و آموزشی را با زبانی ساده برای عموم منتشر می‌کرد (صدرهاشمی، ج ۲، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ علیدوستی، ۱ ص ۲۵۵-۲۵۶). اخبار مربوط به مدرسه دارالفنون، وزارت علوم و اخبار طبی بیشترین بسامد خبری را در روزنامه دانش داشته‌اند. افزون بر این مطالب و موضوعاتی دیگر در حوزه علوم طبیعی و شیمی نیز در روزنامه منتشر می‌شد. در نشر این روزنامه حتی به سرگرمی برای خوانندگان نیز توجه شد، در شماره سیزدهم این نشریه، یک مسابقه علمی درج شده و برای برندگان نیز یک جایزه در نظر گرفته شد. از شماره دوم در پاورقی مطالبی با عنوان «رسالة مفتاح العلوم» افزوده شد که ترجمه‌ای از متنی فرانسوی، موسوم به «کلید سیانس»^۲ یا کلید دانش بود و با طرح سؤال و پاسخ به شرح و تبیین موضوعات و مسائل علمی می‌پرداخت.

جایگاه فکری و سیاسی مخبرالدوله

مخبرالدوله از معدود مردان سیاسی این دوره است که منابع عمدتاً وی را به خصلت‌های نیک و پسندیده انسانی ستوده‌اند. کرزن، وی را «یکی از افراد بسیار لایق و روشنفکر»

1. Alidousti
2. Clé de Science

در این دوره دانسته که به زخارف دنیوی بی اعتناست (کرزن، ج ۱، ص ۵۶۳). عبدالحسین خان سپهر، مخبرالدوله را مؤسس تلگرافخانه در ایران و از مردمان درست کار، سالم و متواضع می‌داند که با تصدی مناصب گوناگون، خدمات ارزنده‌ای را برای دستگاه حکومتی انجام داده است (سپهر، ج ۱، ص ۹۴). سپهر در جای دیگر نیز خانواده مخبرالدوله را به درستی و راستی و انسانیت می‌ستاید. وی مخبرالدوله را دریایی سرشار از علوم و دانش‌های خارجی می‌داند و او را در حکمت طبیعی و ریاضی، هم‌سنگ «هیوین فرنگ» می‌داند (همو، ج ۱، ص ۱۱۴). غلامحسین افضل‌الملک نیز از مخبرالدوله تمجید می‌کند و وی را مردی بزرگ، معقول و سخاوتمند می‌داند که نسبت به مناصب حکومتی اعتنایی نداشت (افضل‌الملک، ص ۵۲). معیرالممالک نیز وی را از رجال نیک عصر ناصری دانسته است (معیرالممالک، ص ۶۹). حتی احتشام السلطنه و اعتماد السلطنه نیز که در برخی موارد به وی تاخته‌اند، باز هم از برخی اقدامات و ویژگی‌های وی تمجید کرده‌اند. احتشام السلطنه با وجود اینکه سیاست‌های رجالی چون او را مانعی در امر آموزش فراگیر کشور دانسته است، با این همه باز مراتب ارادت خود را به وی نشان داده و از سیاست معقولانه و معتدل وی در امر سیاست و برخی از اقدامات وی تمجید می‌کند (احتشام السلطنه، ص ۲۲۸). اعتماد السلطنه نیز ضمن رقابت و تاختن به مخبرالدوله و بی‌علم خواندن وی در روزنامه خاطراتش در خلال شرحی که بر روزنامه دانش نوشته است از اقدامات و دانش وی به نیکی یاد می‌کند (اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۶۹، ۱۹۶؛ قاسمی، ص ۱۰-۱۱).

مخبرالدوله از نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های اجتماعی و اقتصادی ایران پس از مرگ امیرکبیر آگاه بود و سال‌ها بعد ابراز نگرانی خود را در این باره - بدون تعارف و لکنت زبان - در نامه‌ای خطاب به ناصرالدین شاه، در میان گذاشت. وی در این نامه از رونق اقتصادی و اجتماعی کشور، مدیریت کارآمد آن، وفاداری حاکمان و والیان در زمان امیرکبیر، همچنین از ورشکستگی و مقروض بودن دولت، تنزل ارزش نقره، لجام گسیختگی، اسراف، خودسری و عدم تابعیت حکام، سوء مدیریت مدیران کشور و افتادن آن در دست «سه چهار نفر میرزای نکره» بعد از وی، سخن گفته است (مستوفی، ج ۴، ص ۱۱۵۱). ناصرالدین شاه نیز در مکتوبی با اذعان به گفته‌های مخبرالدوله، از خدمات وی و زحمات پدرش در دولت تقدیر و سپاسگزاری کرده است (همان‌جا).

نتیجه

علیقلی خان مخبرالدوله از رجال سیاسی خوشنام، دانش‌دوست و تأثیرگذار در دوره قاجار است که در ساحت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور حضور مؤثر و چشمگیری داشته است. وی در خاندانی فرهیخته و سرشناس متولد شد، همواره در سطح بالای قدرت حاضر بود و در مسائل حکومتی عمدتاً یکی از طرفین رایزنی و مشورت بود. آشنایی وی با غرب و مظاهر فکری و تمدنی آن در کنار تصدی مسئولیت‌های مهم حکومتی مانند وزارت پست و تلگراف، معارف و همچنین ریاست و سرپرستی دارالفنون در ساختار فکری و رویکرد وی به نوگرایی تأثیر بسزایی داشته است. اقدامات سیاسی، علمی و فرهنگی مخبرالدوله که در این مقاله به آنها اشاره شد حاکی از اهتمام و مساعی وی جهت نوگرایی در مسیر توسعه و پیشرفت جامعه ایرانی بوده است.

منابع

- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. سند شماره ۲۹۵۰۰۰۷۰۶ (۱۲۸۱ق)؛ سند شماره ۲۹۵۰۰۲۷۹۹ (۱۲۹۷ق)؛ سند شماره ۲۹۵۰۰۱۰۹۸ (۱۲۸۴ق)؛ سند شماره ۲۹۶۰۰۱۶۸۷ (۱۲۸۴ق)؛ سند شماره ۲۹۵۰۰۰۹۲۲ (۱۲۸۱ق).
- احتشام السلطنه، میرزا محمودخان. (۱۳۶۷ش). خطرات احتشام السلطنه. به کوشش سید مهدی موسوی. تهران: زوار.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۷ش). تاریخ منتظم ناصری. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- _____ . (۱۳۷۴ش). المآثر و الآثار. تصحیح ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- _____ . (۱۳۴۵ش). روزنامه خاطرات. به کوشش ایرج افشار. تهران.
- افضل الملك شیرازی، میرزا غلامحسین خان. (۱۳۶۱ش). افضل التواریخ. به تصحیح منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.
- الگود، سربیل. (۱۳۷۱ش). تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه باهر فرقانی. تهران: امیرکبیر.
- بامداد، مهدی. (۱۳۵۱ش). شرح رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری قمری. تهران: زوار.
- برادران شکوهی، سیروس. (۱۳۷۷ش). «نگاهی گذرا بر تاریخچه سیم تلگراف و نقش آن در بیداری مردم و نهضت مشروطه». پژوهش‌های فلسفی دانشگاه ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۶۷، ص ۴۳-۵۶.

۶۴ / تاریخ علم، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷

- چاهیان، علی اصغر. (۱۳۹۰ش). «بررسی حیات علمی و فرهنگی علیقلی خان هدایت مخبرالدوله». پژوهش در تاریخ، شماره ۳، ص ۶۷-۹۲.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن. (۱۳۶۷ش). فارسنامه ناصری. تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی. تهران: امیرکبیر.
- روزنامه ایران. (۱۲۹۸ق). شماره ۴۴۵.
- روزنامه ناصری. (۱۳۱۱ق). شماره ۸، سال اول.
- روزنامه دانش. (۱۲۹۹-۱۳۰۰ق). شماره‌های ۲-۱۴.
- روزنامه دولت علیه ایران. (۱۲۷۷ق). شماره ۴۸۱.
- سپهر، محمد تقی. (۱۳۳۷ش). ناسخ التواریخ. به اهتمام جهانگیر قائم مقامی. تهران: امیرکبیر.
- قاسمی، فرید. (پاییز و زمستان ۱۳۷۹ش). «دانش، نخستین نشریه آموزشی ایران». مجله تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی، شماره ۳۵، ص ۵-۲۲.
- کاشفی خوانساری، علی. (اسفند ۱۳۸۰ش). «دانش، معرفی نشریات آموزشی گاهی ۳». مجله رشد معلم، شماره ۱۶۴.
- کرزن، جورج ناتانیل. (۱۳۸۰ش). ایران و قضیه ایران. ترجمه غلام علی وحید مازندرانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴ش). شرح زندگانی من. تهران: زوار.
- محبوبی اردکانی، حسین. (۱۳۵۴ش). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران. ج دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- معیرالممالک، دوستعلی خان. (۱۳۶۱ش). رجال عصر ناصری. تهران: نشر تاریخ ایران.
- هدایت، مخبرالسلطنه. (۱۳۶۳ش). خاطرات و خطرات. تهران: زوار.
- یغمایی، اقبال. (۱۳۴۷ش). «علیقلی خان مخبرالدوله دومین وزیر علوم». آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، شماره ۱۹۹ و ۲۰۰، ص ۶۲-۷۰.

_____ . (۱۳۷۵ش). وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Alidousti, S; Khosrowjerdi, M; Abdolmajid, A-M. & Mohamadi, F. (2009). "Scientific Periodicals in Iran: A Systems approach." *Serials Review*, 35 (4), pp. 253-263.